

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۲۲ می ۲۰۱۸

عوامل نزدیکی و پیوند "گلبدین" و "شهنوازتنی"

۱

دوشنبه-۳۱ ثور ۱۳۹۷ - کابل: از چندی بدین سو، اگر خواسته باشم از لحاظ زمانی دقیقتر بنویسم، درست بعد از آمدن "گلبدین" به کابل و اولین ملاقات بین وی و افرادی از "باند خلق" به اصطلاح "حزب دموکراتیک خلق"، اکثر خوانندگان با در نظر داشت ادعا های تند روانه دو طرف در طول حیات سیاسی شان، و حتا ظاهر متفاوت و مخالف در گذاشتن ریش و بروت که هریک مبین اعتقاد متضاد با دیگری می باشد؛ به این فکر بودند که عامل نزدیکی آنها چه می



باشد، من هم به نوبه خود در این مختصر خواهم کوشید تا برداشت خود را در مسأله با شما در میان گذارم، امید مورد توجه قرار گیرد:

۱- عده از هموطنان ما که از هر دو جانب سخت آسیب دیده و ضربت خورده اند، آسانترین پاسخ را یافته، خاستگاه قومی و تعلق اکثریت اعضای هر دو باند یعنی "باند گلبدین" و "باند خلق" را به قوم پشتون دیده بدون فکر حکم صادر می نمایند که گویا

شوونیزم و عظمت طلبی قومی عامل نزدیکی این دو باند آدمکش می باشد. به نظر من با آن که هر دونفر و هر دو باند فاشیست و قومگرا هستند و ممکن است این عامل یعنی عامل قومی نقشی در ایجاد روابط بین آنها داشته باشد، مگر نه تنها نمی تواند علت اصلی باشد بلکه به هیچ صورت تمام مسأله را در بر نمی گیرد.

دلیل این تردید، خون صد ها هزار از مردمان قوم پشتون است که هر دو بیدریغ آن را ریختانده و هیچ گاهی از دامن آلوده به ننگ آنها پاک نمی شود. کسانی که عمر طولانی تر از من دارند در مورد "باندخلق" به حیث بخشی از سرگذشت و خطرات خودشان حتماً به یاد می آورند که "باند خلق" در زمان حکمرانی انحصاری اش و بعد ها در

مشارکت با "باندپرچم" چگونه با قساوت جلادان حرفه‌ئی، در اقصا نقاط افغانستان خون خلق پشتون را ریخته و از کشته‌های آنها پشته ساخته است.

وقتی به کره‌الی ولایت کنر نظر می‌اندازیم، وقتی به قتل‌های عام در ولایات پکتیا، پکتیکا، زابل، قندهار، زابل، ننگرهار، کنر و بقیه مناطق پشتون نشین که در زمان حاکمیت "باندخلق" به خاک و خون کشانیده شده‌اند نظر می‌اندازیم، می‌بینیم و تاریخ گواهی می‌دهد که برای "باندخلق" تعلق قومی و نژادی در مقایسه با حفظ و گسترش سیطرهٔ مزدورمنشانهٔ شان هیچ اهمیتی نداشته است.

عین قضیه و عین جنایات را در حق خلق پشتون به وسیلهٔ "باندگلبدین" نیز اگر خود شاهد نباشیم تاریخ گواه آن است. کشتار هائی را که "گلبدین" در ولایت کنر به وسیلهٔ "کشمیر خان" قومندان سفاک و جلادش در بین قوم صافی به خصوص شاخهٔ "مسعود" آن به راه انداخت، کشتار هائی را که "باندگلبدین" در رقابت با "باندخالص" و قومندانهای معروف آن "عبدالحق" و "حاجی قدیر" در ننگرهار و قسمت هائی از لغمان به اجراء گذاشت، جنایاتی که "باند گلبدین" در قندهار، زابل، هلمند و فراه مرتکب شد و به صد ها و هزاران پشتون را در آن مناطق به قتل رسانید و زمانی که در داخل افغانستان موفق نشد، به حمایت "آی. اس. آی" در داخل پاکستان "نسیم اخوندزاده" و بردارانش، قومندانهای "حاجی محمدشاه اچکزائی" و "گل محمد غلجائی" را ترور و سر به نیست نمود، نشان می‌دهد که برای "باند گلبدین" هم تعلق قومی هیچ رولی نداشته است.

از این زوایه اگر بگوئیم هر دو طرف در کشتن پشتونها اتحاد عمل داشته‌اند و ریختن خون پشتونها قاسم مشترک آنها بوده است به یقین مستدل تر است تا علاقه و تعلق آنها به قوم پشتون.

ادامه دارد